

فصلنامه علمی - پژوهشی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث» دانشگاه الزهراء(س)
سال سیزدهم، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۵، پیاپی ۳۲

شیوه‌های همانندسازی در حدیث و رهیافتی بر روش‌های تشخیص آن

علی حسن بگی^۱

Doi:۱۰,۲۲۰۵۱/tqh.۲۰۱۷,۷۳۴۸,۱۰۵۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۸/۱۹

تاریخ تصویب: ۱۳۹۵/۰۲/۱۱

چکیده

همانند سازی (شبهه سازی) یا همان نسبت دادن کاری به دیگری، در تاریخ حدیث سابقه دیرینه‌ای دارد. به نظر می‌رسد تعدادی از گزاره‌های ثبت شده در منابع حدیثی، همان گزاره‌هایی است که به منظور همانند سازی نقل شده‌اند. از سوی دیگر پایه مهم پژوهش‌های حدیثی و دین‌شناسی، همان اطلاعات و گزاره‌هایی است که در اختیار پژوهشگر حدیث و دین‌شناس قرار می‌گیرد و بر پایه آن به استنباط و ارائه رویکردهای دینی از قبیل دیدگاه دین درباره جهاد ابتدایی، ترور، شکنجه و... می‌پردازد؛ لذا بایسته است که پژوهشگر به منظور عدم خلط میان دیدگاه اسلام و دیدگاه مسلمانان در

موضوعات مذکور، میان گزاره‌های حدیثی و گزاره‌های همانند ساز تفکیک نماید. در این نوشتار سابقه همانند سازی در تاریخ حدیث بررسی شده است و همچنین به علل و عوامل همانند سازی و راه‌های تشخیص گزاره‌های حدیثی همانند ساز از گزاره‌های حدیثی اصیل اشاره شده است. با بررسی به عمل آمده، به نظر می‌رسد پنج عامل در همانند سازی حدیث مؤثر بوده است؛ چنان که با توجه به چهار راهکار می‌توان به جدا سازی میان گزاره‌های حدیثی اصیل و همانند ساز دست یافت..

واژه‌های کلیدی: همانند سازی حدیث، روش‌های جدا سازی، باورهای کلامی.

مقدمه

همانند سازی و یا نسبت دادن فضیلت و رذیلت شخصی به شخص دیگر در میان جوامع بشری همواره وجود داشته است. در تاریخ اسلام موضوع مذکور از سابقه دیرینی برخوردار است ولی شیوع آن به دوره حکومت معاویه باز می‌گردد. او پس از به قدرت رسیدن در سال ۴۱ هجری دستور همانند سازی درباره فضائل علی (ع) و دیگران را صادر نمود. جریان مذکور پس از او و ادامه حکومت حاکمان اموی و عباسی و نیاز حاکمیت به توجیه رفتار خود و همچنین نزاع‌های فرقه‌گرایانه شتاب بیشتری به خود گرفت. از سوی دیگر با تدوین کتاب‌های حدیثی و تاریخی، گزاره‌های حدیثی همانند ساز که تا به حال اغلب به صورت شفاهی نقل می‌شد، با اقدام مذکور در کنار گزاره‌های حدیثی اصیل ثبت گردید.

در نتیجه ما در منابع مکتوب حدیثی با سه نوع گزاره رو به رو شدیم که عبارتند از: الف) گزاره‌های حدیثی اصیل؛ ب) گزاره‌های حدیثی همانند ساز؛ ج) گزاره‌های حدیث نما. از سوی دیگر با تسلط «اهل حدیث» و «مکتب اشعری» نقد و بررسی جای خود را به تقلید و تقدیس گذشتگان داد. در این فضا دیگر کسی به نقد و تفکیک میان گزاره‌های

مذکور نپرداخت؛ لذا گزاره های همانند ساز به اندازه گزاره های حدیثی اصیل اعتبار یافت. حال از آن جا که رکن مهم پژوهش های حدیثی و دینی اطلاعات صحیح است، لازم است پژوهشگر و تحلیلگر حدیث، میان گزاره های مذکور یعنی گزاره های حدیثی همانند ساز، حدیثی اصیل و حدیث نما، تفکیک قائل شود تا از خلط میان دیدگاه های دین در موضوعات گوناگون و دیدگاه مسلمانان در همان موضوعات بپرهیزد؛ در غیر این صورت تحلیل و داوری او بر پایه ای بی اساس مبتنی می شود.

این نوشتار در صدد بررسی سابقه همانند سازی در تاریخ حدیث و همچنین بررسی علل و عوامل جریان مذکور و ارائه چند راهکار جهت تشخیص گزاره های همانند ساز از گزاره های حدیثی اصیل است.

۱. همانند سازی

در لغت، واژه «همانند» همراه با مترادفات خود از قبیل: مانند هم، مثل یکدیگر، شبیه و نظیر آمده است. (عمید، ۱۳۸۴، ص ۱۲۶۶) در اصطلاح، نسبت دادن فضیلت یا رذیلت کسی به شخص دیگر را همانند سازی گویند. لازم به یاد آوری است که به دلیل عدم انعکاس واژه همانند سازی در فرهنگ نامه ها، تعریف مذکور بر پایه موارد کاربرد واژه مذکور پیشنهاد شد.

۲. منابع حدیثی و گزاره های گوناگون

لازم به ذکر است که پژوهشگر و تحلیلگر در منابع و مآخذ حدیثی با سه نوع گزاره رو به رو می شود که عبارتند از:

۱-۲. گزاره حدیثی اصیل

گزاره حدیثی، گزارشی از رفتار، تقریر و نقل آن توسط راوی و محدث است.

۲-۲. گزاره حدیث نما

گزاره حدیث نما یا همان حدیث مجعول، معمولاً حاصل ساخت و پرداخت ذهن جعل کننده است. به عبارت دیگر او در صدد القاء مطلبی در قالب حدیث است که البته این گزاره‌ها با عرضه بر معیارهای نقد، ارزیابی می‌شوند و جعل آن آشکار می‌گردد.

۲-۳. گزاره همانند ساز

گاه رفتار پسندیده یا ناپسندی از سوی کسی سرزده است ولی راوی و محدث به عللی آن را به شخص دیگری نسبت می‌دهد که از این عمل به همانند سازی تعبیر می‌شود. لازم به ذکر است که تفاوت گزاره حدیثی همانند ساز با قسم قبلی در این است که در قسم قبلی برخی از افراد بدون هیچ سابقه‌ای به جعل و وضع حدیث روی می‌آورند ولی در قسم اخیر با توجه به صدور رفتاری زشت از سوی کسی، راوی در جهت تطهیر و یا تبرئه او، عمل مذکور را به کسی که همگان بر قداست او اذعان دارند، نسبت می‌دهد.

۳. پیشینه همانند سازی در تاریخ اسلام

گرچه پیشینه جعل حدیث به عصر پیامبر (ص) باز می‌گردد (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۱، ص ۶۶؛ رضی، بی تا، ص ۳۲۵؛ طبرانی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۰، ص ۳۰۰) ولی به نظر می‌رسد همانند سازی، آن هم به صورت گسترده از زمان معاویه، حاکم اموی، شروع شده است. او به دلیل این که سایه حکومت «علی» (ع) بر حکومتش سنگینی می‌کرد، به استناداران خود نوشت: از مردم بخواهید فضائل صحابه و به ویژه فضائل خلیفه اول و دوم را نقل کنند؛ ضمناً هر فضیلتی که برای «ابوتراب»، علی (ع)، نقل شده، همانند آن را برای صحابه دیگر پیامبر (ص) نقل کنید. (ابن ابی‌الحدید، بی تا، ج ۱، ص ۴۵)

ابن ابی‌الحدید می‌نویسد: «چون این نامه برای مردم قرائت گردید، روایات جعلی زیادی در مناقب صحابه میان مردم رواج یافت. این روایات بر فراز منبرها خوانده می‌شد و معلمان مکتب خانه‌ها روایات مذکور را به کودکان و نوجوانان آموزش می‌دادند و آنان همان گونه که قرآن را فرا می‌گرفتند، احادیث مذکور را یاد می‌گرفتند.» (همان)

۴. عوامل دخیل در همانند سازی

همانند سازی همچون رویدادهای دیگر، معلول عوامل گوناگونی است که به نظر می‌رسد مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

۴-۱. توجیه رفتار حکمان

هر حاکمی پس از به قدرت رسیدن تلاش می‌کند تا رفتارهای خویش را بر اساس هنجارهای مورد قبول جامعه خود منطبق سازد. بر این اساس پس از به قدرت رسیدن حاکمان اموی و عباسی و ظهور رفتارهای غیر انسانی از آنان، نیاز به توجیه دینی رفتارهای مذکور احساس می‌شد. یکی از این ابزارها، همانند سازی میان رفتار آنان و شخصیت‌های مقدس اسلامی از قبیل پیامبر «ص» بود. برای مثال آنان از بریدن دست مخالفان خود، کور کردن، شلاق زدن، گرسنگی دادن آن‌ها و همچنین انداختن نزد درندگان دریغ نمی‌کردند. (ابن اثیر، ۱۳۸۵ق، ج ۳، ص ۴۶۲؛ ابن ابی‌الحدید، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۶-۴۳؛ اصفهانی، ۱۳۷۴، ص ۴۰۳-۴۰۲)

حال برای توجیه رفتار مذکور، برخی از راویان و محدثان گزارش کرده‌اند که پیامبر «ص» دست شخصی را با میخ به دیوار کوبید. (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۷۶، ص ۲۰۳) لازم به یاد آوری است که امام باقر «ع» درباره نسبت مذکور به پیامبر «ص» می‌فرماید: این نسبت را انس بن مالک به پیامبر «ص» داد و همین سبب گردید که حاکمان شکنجه را روا بدارند (همان) یا در گزارش دیگری آمده که: در غزوه خیبر، کنانه بن ربیع یهودی محل گنجی را پنهان کرد. پیامبر «ص» به زیبر دستور داد که او را شکنجه کند تا محل گنج را افشا نماید، زیبر هم او را شکنجه کرد ولی او از افشای آن خودداری کرد. (ابن هشام، بی‌تا، ج ۳، ص ۳۵۱)

نمونه دیگر از عنوان مذکور تحلیل عمر، خلیفه دوم، درباره کنار گذاشتن بنی هاشم از مقام خلافت است. او می‌گفت: قریش کراهت داشت که دو افتخار (نبوت و خلافت) نصیب یک خاندان (بنی هاشم) گردد و قریش در این باره کار درستی کرد. (طبری، بی‌تا، ج ۴، ص ۲۲۳-۲۲۲)

از آن جا که عمر، خلیفه دوم، به عنوان یکی از قریشیان تلاش گسترده‌ای در جهت کنار زدن بنی هاشم انجام داد، با این همه او با قرار دادن علی «ع» به عنوان یکی از اعضای شورای خلافت، عملاً تحلیل خود را زیر سؤال برد. حال برخی از همانند سازان به قصد توجیه رفتار قریش، آن هم به سردمداری ابوبکر و عمر، از پیامبر نقل کرده‌اند که علی «ع»، فاطمه «س»، حسن «ع» و حسین «ع» بر پیامبر «ص» وارد شدند و از او جانشینش را خواستند، پیامبر «ص» فرمود: «خداوند برای شما دو افتخار (نبوت و خلافت) را جمع نکرده است». (ابن حمزه حنفی، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۱۷۲؛ متقی هندی، بی تا، ج ۱۲، ص ۱۰۵) لازم به ذکر است در برخی گزارش‌ها سخن مذکور (خداوند نبوت و خلافت را در میان بنی هاشم جمع نمی کند) به ابوبکر، ابن عباس و مغیره بن شعبه نسبت داده شده است. (ابن جیبر، ۱۴۱۸ق، ص ۶۵؛ مقریزی، بی تا، ص ۹۷؛ علوی، ۱۴۱۴ق، ص ۲۰۷؛ طبرسی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۲۳)

۴-۲. غلو

گاه غلو و مبالغه درباره افراد سبب می گردد که «غالی» از پذیرفتن واقعیت سرباز زده و به انکار آن پرداخته و به همانند سازی روی آورد؛ برای مثال مورخان نقل کرده‌اند که «امام حسین «ع» در سال ۶۱ق در سرزمین کربلا به شهادت رسید». (طبری، بی تا، ج ۵، ص ۴۵۳؛ ابن سعد، ۱۴۱۵ق، ص ۷۵) ولی برخی از غالیان، به دلیل باور کلامی خود به جاودانگی امام، معتقدند امام حسین «ع» کشته نشده است بلکه «حنظله بن اسعد شامی» که به امام حسین «ع» شباهت داشت، کشته شد و امام حسین همچون عیسی «ع» به آسمان عروج کرد. (صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۲۰-۲۱۹؛ مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۴۴، ص ۲۷۲)

۴-۳. علاقه و دل بستگی

علاقه و محبت نیز گاه زمینه همانند سازی را فراهم می کند؛ برای مثال در حدیثی معتبر نقل شده که «هارون الرشید، خلیفه عباسی، به دنبال کسی می گشت که بتواند توسط او از عزت و احترام امام موسی بن جعفر «ع» بکاهد و ایشان را در انتظار خوار نماید تا این که جادوگری داوطلب گردید. در مجلسی بعد از پهن کردن سفره غذا او بر نان جادویی

خواند که هر وقت امام موسی بن جعفر «ع» می خواستند قطعه نانی را بردارند، نان از مقابل آن حضرت پرواز می کرد.

هارون الرشید وقتی صحنه را می دید از خنده و شوق در جای خود آرام و قرار نداشت. در این هنگام امام موسی بن جعفر «ع» بلافاصله رو به عکس شیری که روی یکی از پرده ها بود، کرده و فرمودند: ای شیر، دشمن خدا را بگیر. در این هنگام عکس مذکور به صورت یک شیر بزرگ درآمد و به سمت جادوگر پرید و او را درید. (صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۹۰؛ محسنی، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۲۵۵؛ وحید خراسانی، بی تا، ج ۱، ص ۴۰۸-۴۰۷)

حال برخی به دلیل علاقه ای که به امامان «ع» و خصوصاً حضرت رضا «ع» داشته اند، به همانند سازی روی آورده و مشابه جریان مذکور را در گزارشی نامعتبر، آن هم با اندکی تغییر، درباره حضرت رضا «ع» و مأمون، خلیفه عباسی، نقل کرده اند. (صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۸۲؛ محسنی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۱۹۰)

نمونه دیگری از همانند سازی که منشأ آن نیز علاقه و محبت به شخصیتی مقدس می باشد، گزارشی است که نقل کرده اند در زمان حکومت متوکل عباسی، حضرت هادی «ع» وارد جایگاه حیوانات درنده شدند و آنان به حضرت هیچ تعرضی نرساندند. (مسعودی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۵۷۴؛ ابن حجر، بی تا، ص ۲۰۵؛ ابن شهر آشوب، بی تا، ج ۴، ص ۴۱۶؛ مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۵۰، ص ۱۴۹) حال علاقه مندان به امام رضا «ع» عیناً گزارش مذکور را درباره ایشان نقل کرده اند. (اربلی، ۱۴۰۵ق، ج ۳، ص ۵۴-۵۵؛ مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۴۹، ص ۶۲-۶۱) گفتنی است آن چه گزارش اول را اصیل تر می نماید، انعکاس آن در منابع شیعی و سنی است برخلاف گزارش دوم که صرفاً یک منبع شیعی از آن یاد کرده است.

۴-۴. کینه و دشمنی

کینه و دشمنی با افراد گاه سبب همانند سازی یا همان انتساب فضیلت یا ردیلت کسی به شخص دیگر در قالب حدیث می شود. در ادامه به چند نمونه اشاره می شود:

۴-۴-۱. امام علی «ع» و قضاوت

علی «ع» در میان صحابه پیامبر «ص» به قضاوت‌های صائب شهره بود، به گونه‌ای که عُمر با گفتن جمله «لولا علی لهلك عمر» بر مطلب مذکور مهر تأیید زده بود؛ (امینی، ۱۴۱۶ق، ج ۶، ص ۱۵۸) از جمله نقل کرده‌اند که زن بارداری را که متهم به زنا بود، نزد عمر خلیفه دوم آورده بودند و او دستور به سنگسار داد.

علی «ع» رو به او کرد و فرمود: اگر زن گناهکار و مستوجب حد الهی است، بچه در شکمش گناهی نکرده؛ لذا در این وضع حق اجرای سنگسار را نداری. در این هنگام عمر گفت: «لولا علی لهلك عمر». (جرجانی، ۱۳۲۵ق، ج ۸، ص ۳۷۰؛ حلی، ۱۴۱۱ق، ص ۶۲؛ بروجردی، ۱۴۱۵ق، ج ۲۵، ص ۳۶۵؛ مفید، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۲۰۴؛ ابن شهر آشوب، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۸۴؛ مغربی، ۱۳۸۳ق، ج ۱، ص ۸۶)

حال برخی از محدثان و مورخان در برابر فضیلت یاد شده امام علی «ع» به همانند سازی روی آورده‌اند و چیرگی در قضاوت، آن هم در همان رخداد مذکور را به «معاذ بن جبل» نسبت داده و در این باره گفته‌اند: مردی که دو سال از همسرش دور بود، پس از بازگشت به خانه مشاهده کرد که همسرش باردار است. به عمر، خلیفه دوم، شکایت کرد. عُمر دستور سنگسار آن زن را صادر کرد. معاذ بن جبل که در آن جا حاضر بود، به او گفت: اگر زن مستحق سنگسار است، فرزند در شکمش که گناهی نکرده است.

در این هنگام عمر زن را آزاد کرد تا این که او پسری زایید که دندان‌های جلو دهانش روئیده بود. شوهر، بچه را دید که به خودش شباهت دارد، در نتیجه پذیرفت که بچه از آن اوست. در این جا بود که عمر گفت: «لولا معاذ لهلك عمر». (ابن ابی شیبیه، ۱۴۰۹ق، ج ۷، ص ۳۵۵؛ دار قطنی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۲۲۲؛ بیهقی، بی‌تا، ج ۷، ص ۴۴۳)

به نظر می‌رسد توجه به مخالفت متن مذکور با مسلمات علمی (حداکثر دوران بار داری نُه ماه است) و همچنین نظر «ابن حزم» مبنی بر ضعف سند حدیث مذکور و مخالفت آن با قرآن که مجموع دوران بارداری و شیر خواری را ۳۰ ماه می‌داند نه بیشتر، (ابن حزم، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۳۱۶) همگی همانند سازی حدیث مذکور را به اثبات می‌رساند. به احتمال

قوی، حدیث مذکور قصد پاسخ دادن به نامه معاویه در همانند سازی درباره فضائل علی «ع» را دارد که قبلا به آن اشاره گردید.

۴-۴-۲. مباحله

در منابع حدیثی و تاریخی گزارش شده که نمایندگان مسیحیان «نجران» وارد مدینه شدند. پس از گفتگو میان آنان و پیامبر «ص» هر دو توافق کردند که «مباحله» کنند. پیامبر «ص» در حالی که حضرت فاطمه «س»، حضرت علی «ع»، حضرت امام حسن «ع» و حضرت امام حسین «ع» همراهش بودند، برای مباحله حرکت کرد. نمایندگان مسیحیان نجران با دیدن صحنه مذکور از مباحله امتناع کردند و به دادن جزیه تن دادند. (مرعشی نجفی، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۱۵۸-۱۳۲؛ مسلم، ۱۴۲۰ق، ج ۸، ص ۳۹؛ یعقوبی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۴۰۵-۴۰۴؛ مفید، ۱۳۸۰، ص ۱۵۴-۱۵۱؛ طبرسی، ۱۳۳۸، ص ۱۳۶-۱۳۵؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۲۸۷-۲۸۶؛ صالحی شامی، ۱۴۱۴ق، ج ۶، ص ۴۱۸؛ حلبی، ۱۴۰۰ق، ج ۳، ص ۲۳۶؛ محمدی ری شهری، ۱۴۲۵ق، ج ۸، ص ۱۰۹)

لازم به ذکر است که برخی از محدثان و عالمان اهل سنت از حدیث مذکور به «متواتر» تعبیر کرده‌اند؛ (مرعشی نجفی، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۱۳۲) با این حال برخی به همانند سازی درباره فضیلت مذکور برآمده‌اند؛ چنان که «سیوطی» از «ابن عساکر» نقل می‌کند که «جعفر بن محمد = امام صادق «ع» گفت: «وقتی پیامبر «ص» برای مباحله بیرون آمد، همراه او ابوبکر و فرزندش، عمر و فرزندش، عثمان و فرزندش، علی و فرزندش بودند» (سیوطی، بی تا، ج ۲، ص ۳۸) یا گزارش کرده‌اند که در جریان حرکت پیامبر «ص» برای مباحله، غیر از حضرت فاطمه «س»، عائشه دختر ابوبکر و حفصه دختر عمر هم حضور داشتند. (میلانی، ۱۴۲۰، ج ۲۰، ص ۲۴۹) لازم به یاد آوری است که تواتر حدیث قبله، گواهی بر همانند سازی حدیث اخیر است.

۴-۴-۳. ولادت در کعبه

یکی از فضائل و منقبت های علی «ع»، ولادت در خانه خداست. موضوع مذکور در منابع حدیثی تاریخی بسیاری منعکس گردیده است. حاکم نیشابوری از عالمان اهل سنت می گوید: «ولادت علی «ع» در خانه خدا یکی از گزارش های متواتر است». (حاکم نیشابوری، ۱۴۰۶ق، ج ۳، ص ۴۸۳؛ عاملی، ۱۴۰۰ق، ج ۱، ص ۱۳۰؛ امینی، ۱۴۱۶ق، ج ۶، ص ۳۸-۳۵) نیز شاه ولی الله دهلوی و آلوسی می گویند: «تنها کسی که در کعبه متولد شد، علی «ع» است». (امینی، ۱۴۱۶ق، ج ۶، ص ۳۶)

حال در برابر فضیلت و منقبت مذکور که متواتر گزارش شده است، برخی با ادعای تولد «حکیم بن حزام» در خانه خدا (حلبی، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۲۰۲) به همانند سازی روی آورده‌اند.

حال به نظر می رسد اذعان عالمانی همچون «حاکم نیشابوری»، «دهلوی» و «آلوسی» بر تواتر گزارش ولادت علی «ع» در کعبه و انحصار منقبت مذکور درباره علی «ع» همگی شواهدی بر همانند سازی گزارش اخیر است.

۴-۴-۴. مسجد النبی و بستن درب منازل

از کارهایی که در ابتدای هجرت به مدینه، آن هم در ضمن ساختن مسجد النبی صورت گرفت، ساختن خانه برای مهاجرین بود. مطابق گزارش های حدیثی و تاریخی، خانه پیامبر «ص» و مهاجرین در اطراف مسجد ساخته شد. آنان هر یک دری به مسجد گذاشتند که به هنگام بیرون رفتن از مسجد، آمد و شد می کردند تا این که خداوند به پیامبر «ص» دستور داد تا تمام درها را مسدود کند مگر در خانه خود و علی «ع» را. پس از فرمان خداوند، پیامبر «ص» دستور داد که در خانه همه به جز در خانه علی بن ابی طالب بسته گردد. (طبرسی، ۱۳۳۸ق، ص ۸۰)

موضوع مذکور یکی از فضائل و منقبت های علی «ع» است که در کتاب های حدیثی و تاریخی ثبت گردیده است. (حاکم نیشابوری، ۱۴۰۶ق، ج ۳، ص ۱۲۵؛ نسایی، بی تا، ص ۶۸؛ خواری، ۱۴۱۱ق، ص ۳۲۷) لازم به ذکر است که منقبت و فضیلت مذکور با دو ویژگی کثرت اسناد و صحت آن ها در منابع ثبت شده و دانشمندانی همچون ابن حجر،

حاکم نیشابوری، عینی، هیشمی و... به صحت گزارش مذکور اذعان کرده‌اند. (امینی، ۱۴۱۶ق، ج ۶، ص ۲۹۶-۲۸۶؛ عاملی، ۱۴۰۰ق، ج ۴، ص ۹۴-۹۳)

با این اوصاف، برخی در صدد همانند سازی برآمده و گفته‌اند: پیامبر «ص» دستور داد تا در خانه همه را جز در خانه ابوبکر ببندند. (بخاری، ۱۴۲۵ق، ص ۹۲۷؛ ابن سعد، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۵۰۷-۵۰۶؛ عاملی، ۱۴۰۰ق، ج ۴، ص ۹۷)

به نظر می‌رسد همانند سازی گزارش اخیر با توجه به کثرت و صحت اسناد گزارش اول و همچنین اذعان عمر و فرزندش عبدالله در اختصاص منقبت مذکور به علی «ع» (ابن حنبل، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۱۲۵؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۰۶ق، ج ۳، ص ۱۲۵) و تصریح ابن ابی-الحدید بر همانند سازی از سوی «بکریه» کاملاً آشکار است. (ابن ابی‌الحدید، بی‌تا، ج ۱۱، ص ۳۹)

۴-۴-۵. امام علی «ع» و آیه ۲۰۷ بقره

بسیاری از محدثان و مفسران نقل کرده‌اند که وقتی علی «ع» در «لیله المیبت» به جای پیامبر «ص» خوابید، آیه «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ»، به معنای «بعضی از مردم جان خود را به خاطر خوشنودی خدا می‌فروشند» (بقره: ۲۰۷) در شأن او نازل شد. (حسکانی، ۱۴۱۱ق، ص ۱۲۳؛ ابن اثیر، بی‌تا، ج ۴، ص ۲۵؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۴۲، ص ۶۷؛ ابن دمشقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۱۷؛ ابن ابی‌الحدید، بی‌تا، ج ۱۳، ص ۲۶۲؛ قرطبی، ۱۴۰۵ق، ج ۳، ص ۲۱؛ هویزی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۲۰۴؛ امینی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۸۵)

اما بعدها فضیلت و منقبت مذکور دچار همانند سازی دوگانه شد؛ زیرا از یک سوی گزارش کردند که آیه مذکور درباره هجرت یکی از یاران پیامبر «ص» به نام «صهیب» نازل شد که او با دادن مال خود به مشرکین مکه توانست به مدینه هجرت کند. (طبرانی، بی‌تا، ج ۸، ص ۲۹؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۲۴، ص ۲۲۲). از سوی دیگر «سمره بن جندب» با گرفتن صد هزار درهم از معاویه، اعلام کرد که آیه مذکور درباره «ابن ملجم» نازل شده است. (ابن ابی‌الحدید، بی‌تا، ج ۴، ص ۷۳)

حال به نظر می‌رسد، صحابی نبودن «ابن ملجم» و عدم انطباق آیه بر اقدام صهیب (آیه مذکور می‌گوید: برخی از افراد جان خود را برای خوشنودی خدا می‌فروشند، در صورتی که صهیب با دادن اموال، جانش را خرید، نه این که فروخته باشد. رک. مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۳۶، ص ۴۵) همگی دلالت بر همانند سازی دو گانه مذکور را محتمل تر می‌کند.

۴-۶. مغیره بن شعبه و طلاق‌های بی شمار

مغیره بن شعبه، یکی از شخصیت‌های زیرک و مورد توجه خلفا و خصوصاً معاویه حاکم اموی بود. درباره او گفته شده که از زناکارترین مردان زمان خود بود و وقتی مسلمان شد، ۳۰۰ تا هزار زن را به عقد خود درآورد. (بلاذری، ۱۴۲۴ق، ج ۱۳، ص ۳۴۵؛ ابن عبد البر، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۸؛ ابن ابی‌الحدید، بی‌تا، ج ۱۲، ص ۲۳۹)

موضوع مذکور که در بسیاری از منابع منعکس گردیده است، دست مایه همانند سازان گشته و تعدد همسران و کثرت طلاق=مطلاق را به امام حسن مجتبی «ع» نسبت داده‌اند. (مسعودی، ۱۳۸۶ق، ج ۳، ص ۳۱۱؛ مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۴۴، ص ۱۷۲-۱۶۹؛ برای نقد انتساب مذکور رک. نجاح الطایبی، ۱۴۳۱ق، ص ۸۷-۳۱)

۴-۵. پاسداشت باورهای کلامی

گرچه در فرهنگ نامه‌ها از تعریف باورهای کلامی خبری نیست ولی با تأمل و دقت در تعبیر مذکور و همچنین توجه به کاربرد های آن می‌توان باورهای کلامی را این گونه تعریف کرد: هر باوری که باورمند نسبت به آن یقین داشته و خاستگاه آن عقل، متون مقدس (نقل معتبر) و حسن ظن باشد و ضمناً به ساحت فکر و اندیشه، نه ساحت مناسک و اعمال، تعلق داشته باشد، آن را باور کلامی گویند. برای مثال ما معتقد هستیم که نماز واجب است ولی چنین باوری را کلامی نمی‌گوییم بلکه موضوعاتی همچون عصمت، علم امام «ع»، تحریف ناپذیری قرآن کریم و عدالت صحابه را که به ساحت اندیشه تعلق دارند، باور کلامی تلقی می‌کنیم.

اکنون به نظر می‌رسد که باورهای کلامی به دلیل یقین آوری و تعمیق آن در اندیشه باورمندان، تأثیر مهمی در دانش‌های بشری از قبیل فقه، تفسیر و حدیث دارد که این تأثیر را می‌توان در همانند سازی در گونه‌های مختلف دید که ذیلا به آن اشاره می‌شود:

۴-۵-۱. تبرئه کردن از ردیلت‌ها

نسبت گزارش متعارض با باورهای کلامی به شخص دیگر، یکی از همانند سازی هایی است که گاه باورمند به آن مبادرت می‌کند. برای مثال عده‌ای از مورخان، مسموم کردن امام حسن(ع) را به معاویه نسبت داده‌اند. (ابن سعد، ۱۴۱۷ق، ص ۸۳؛ اصفهانی، ۱۳۷۴، ص ۸۰؛ مسعودی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۲؛ ابن ابی‌الحدید، بی‌تا، ج ۱۶، ص ۱۱؛ بلاذری، ۱۴۱۹ق، ص ۵۹) در مقابل برخی از باورمندان به عدالت صحابه در صدد انکار برآمده و گفته‌اند: «حاشا لمعاویه ذلک» یعنی ساحت معاویه از چنین کاری مبری است. (ابن خلدون، ۱۳۹۱ق، ج ۲، ص ۱۸)

همچنین یکی از طرفداران پر و پا قرص باور کلامی مذکور، نسبت جنایت مذکور را به «یزید» فرزند معاویه داده است. (ابن حجر هیثمی، بی‌تا، ص ۱۴۰) نیز گزارش شده که پیامبر(ص)، «طلحه بن عبید الله تیمی» (از صحابه پیامبر) را از صحبت کردن با یکی از همسرانش منع کرده بود. او پس از ممانعت مذکور گفته بود که اگر پیامبر(ص) از دنیا رود، من با همسر او(عائشه یا ام سلمه) ازدواج خواهم کرد که آیه شریفه «وَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَنْ تُنكِحُوا أَزْوَاجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا إِنَّ ذَٰلِكُمْ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا» به معنای «شما حق ندارید رسول خدا را برنجانید و نباید زنانش را پس از مرگ او به عقد خود درآورید؛ چرا که این کار نزد خدا همواره گناه بزرگی است» (احزاب: ۵۳)، نازل شد. (ابن سعد، ۱۴۱۴ق، ج ۶، ص ۱۵۰؛ ابن ابی‌الحدید، بی‌تا، ج ۹، ص ۲۲۲ و ج ۱۲، ص ۲۵۹؛ نحاس، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۳۷۲؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۵، ص ۲۱۴)

حال برخی از عالمان اهل سنت می‌گویند: گوینده سخن مذکور «طلحه بن عبید الله تیمی» که از «عشره مبشره» است، نبوده بلکه شخص دیگری هم‌نام او و هم‌نام پدر و قبیله او بوده است. (ابن اثیر، بی‌تا، ج ۳، ص ۶۲؛ ابن حجر، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۴۳۳) حتی برخی از

دانشمندان متأخر اهل سنت، پس از ذکر همانند سازی مذکور، می نویسند: «و حاشاه من ذلک و هو اجل مقاما من ان یصدر منه مثل ذلک» یعنی سخن مذکور (اگر پیامبر(ص) از دنیا برود...) هیچ نسبتی با طلحه بن عبید الله که از عشره مبشره است، ندارد؛ زیرا مقام و منزلت او برتر از این است که چنین سخنی بر زبان جاری سازد. (حلبی، ۱۴۰۰ق، ج ۱، ص ۳۹۶؛ صالحی شامی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰، ص ۳۳۵)

به نظر می‌رسد موضوع مذکور یعنی گوینده سخن مذکور، صحابی و از عشره مبشره بودن طلحه بن عبیدالله، مدتی ذهن عالم بزرگ اهل سنت، «جلال الدین سیوطی» را به خود مشغول کرده بوده است. او می‌گوید: من مدتی درباره صحت این گزارش می‌اندیشیدم؛ زیرا پذیرفتنی نبود که «طلحه» با وجود این که یکی از ده نفری است که پیامبر به آنها بشارت بهشت داده، چنین سخنی گوید تا این که فهمیدم که گوینده سخن مذکور شخص دیگری بوده که با طلحه مشابهت در نام و نام پدر داشته است. (حلبی، ۱۴۰۰ق، ج ۱، ص ۳۹۶)

همچنین ابوبرزه اسلمی از یاران پیامبر(ص) می‌گوید: در سفری همراه پیامبر(ص) بودیم که صدای غنا و آوازه خوانی دو نفر به گوش پیامبر(ص) رسید، فرمود: بینید این صدای غنا از کجا و از چه کسی است؟ گفتند: یا رسول الله، معاویه و عمروعاص هستند که این چنین خوانندگی می‌کنند. رسول خدا فرمود: خدایا آنان را در فتنه‌ها فرو بر و به سوی آتش جهنم بکشان. (طبرانی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۳؛ منقری، ۱۳۸۲، ص ۱۲۹)

ناگفته نماند که احمد بن حنبل، گزارش مذکور را نقل کرده ولی به جای نام معاویه و عمروعاص، تعبیر فلان و فلان را به کار برده است. (ابن حنبل، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۵۸۰) با این همه در گزارشی همانند ساز، جای معاویه و عمروعاص به معاویه بن رافع و عمرو بن رفاعه بن تابوت، تغییر کرده است. (ابن عدی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۴)

۴-۵-۲. تعمیم دادن ردیلت‌ها

گاه باورمند در برابر گزارش متعارض با باور کلامی خویش، به تعمیم و یا نسبت آن مطلب به دیگری بر می‌آید تا با این همانند سازی، از زشتی و ناهنجاری رفتار شخصیت

مقدس بکاهد. برای مثال، مطابق گزارش های حدیثی و تاریخی ابوبکر، خلیفه اول، دستور کشتن و سوزاندن مخالفین خود را صادر کرد. (طبری، بی تا، ج ۳، ص ۲۵۱-۲۵۲ و ص ۲۶۴-۲۶۵ و ص ۲۷۹؛ بلاذری، ۱۳۹۸ق، ص ۱۰۷؛ ابن حبان، بی تا، ج ۲، ص ۱۶۵) حتی زیاده روی در سوزاندن افراد مخالف توسط خالد بن ولید، فرمانده سپاه خلیفه اول، چنان بالا گرفت که عمر، خلیفه دوم، را به واکنش کشاند. (ابن سعد، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۳۵۴-۳۵۳)

همچنین عمر، خلیفه دوم، از ترور مخالفین و شکنجه افراد ابایی نداشت. (بلاذری، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۲۷۲؛ ابن ابی الحدید، بی تا، ج ۱۲، ص ۲۹-۳۰ و ص ۱۰۱-۱۰۲؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۲۳، ص ۴۱۱ و ج ۴۰، ص ۲۷۵ و ج ۶۲، ص ۳۰) همان طور که ملاحظه می شود، همانند سازان باورمند به عدالت صحابه، به منظور کاهش زشتی اعمال مذکور، آن هم توسط اشخاص مقدس، به همانند سازی رفتارهای مذکور به پیامبر «ص» و علی «ع» روی آورده اند. برای مثال «انس بن مالک» نقل کرده: «هشت نفر از اهالی «عربینه» به مدینه آمدند و اسلام آوردند ولی هوای مدینه به آنان نساخت، به طوری که آن ها تب و لرز می کردند.

پیامبر «ص» دستور فرمود که آن ها مواظبت از گله شتران مسلمانان را که در «ذی الجدر» بود، عهده دار شوند. آنان در آن جا ماندند و با استفاده از شیر شتران سلامتشان را باز یافتند. اینان پس از اسلام آوردن، کافر شدند و صبح گاه بر شتران حمله برده و آن ها را به غارت بردند. یسار، خدمتکار پیامبر «ص» و گروهی دیگر، آنان را تعقیب کردند و به آن ها رسیدند. آن ها نیز با یسار و همراهانش جنگیدند، دست و پای یسار را بریدند و خار در چشم و زبانش فرو کردند تا کشته شد و گله را با خود بردند. پیامبر «ص»، بیست سوار را به فرماندهی «کرز بن جابر» در تعقیب دشمن فرستاد. آنان به دشمن رسیده و همگی را دستگیر کردند و به مدینه آوردند. پیامبر «ص» دستور داد تا دست و پای آنان را بریدند و بر چشم های آن ها میل کشیدند؛ سپس آن ها را در گودالی انداختند و در حالی که تشنه بودند و از مسلمانان آب می خواستند، از تشنگی و خون ریزی جان باختند. (بخاری، ۱۴۲۵ق، ص ۱۶۵۸-۱۶۵۷؛ ابن سعد، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۴۱۱؛ واقدی، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۴۲۲-۴۲۱)

ناگفته نماند حدیث انس بن مالک از سوی امام سجاد «ع» انکار گردید و فرمود: به خدا سوگند پیامبر «ص»، چشم کسی را میل نکشید بلکه صرفاً دست و پای گناهکاران مذکور را قطع کرد. (شافعی، ۱۴۰۰، ج ۴، ص ۲۵۹) همچنین امام صادق «ع» در گزارش خود به طور ضمنی حدیث انس بن مالک را رد کرد و فرمود: پیامبر «ص» صرفاً دست و پای آن گناهکاران را قطع کرد. (کافی، ۱۳۶۷، ج ۷، ص ۲۴۵) خلاصه حدیث انس بن مالک دچار تعارض با دو حدیث از سوی امامان شیعه شده است.

همان گونه که قبلاً گذشت، معاویه اهل غنا و آوازه خوانی بود. حال در گزارشی همانند ساز نقل شده است که پیامبر «ص» در مجلس رقص و آواز شرکت می کرد و اجازه می داد که در حضورش، مغنیه (زن آواز خوان) به غنا پردازد. (بخاری، ۱۴۲۵ق، ص ۱۴۲۵؛ مسلم، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۲۰۵-۲۰۱؛ ترمذی، ۱۴۰۳ق، ج ۵، ص ۳۸۴)

همچنین نقل کرده اند، زمانی که امام علی «ع» توسط ابن ملجم ضربت خورد، وصیت کرد که ابن ملجم را بکشید و جسدش را بسوزانید. (ابن حنبل، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۹۳-۹۲؛ هیشمی، ۱۴۰۸ق، ج ۹، ص ۱۴۵؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۴۲، ص ۵۶۱-۵۶۰؛ مفید، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۲۲؛ طبرسی، ۱۳۳۸، ص ۲۰۳؛ اصفهانی، ۱۳۷۴، ص ۵۴؛ ابن کثیر، ۱۴۰۸ق، ج ۷، ص ۳۶۳) در گزارش دیگری صحنه اعدام ابن ملجم به صورت دلخراش تری نقل شده است. در این گزارش آمده که امام حسن «ع» دستور داد که ابن ملجم را بیاورند. او را آوردند، در حالی که مردم جمع شده بودند و با خود نفت و حصیر آورده بودند تا او را بسوزانند. عبدالله بن جعفر، برادر زاده امام علی «ع»، ابن ملجم را تحویل گرفت.

ابتدا دست و پایش را قطع کرد سپس میل به چشمانش کشید، زبانش را قطع کرد و در آخر او را در سبیدی چوبین قرار داد و آن را به آتش کشید. (ابن سعد، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۶۹؛ بلاذری، ۱۴۲۴ق، ج ۳، ص ۳۶۳؛ طبری، بی تا، ج ۵، ص ۱۴۹؛ مرعشی نجفی، ۱۴۱۱ق، ج ۲۲، ص ۶۷۳) ناگفته نماند حدیث امام علی «ع» مبنی بر سوزاندن قاتل خویش با سخن دیگر او که فرمود: او ضربتی بر من زد، شما هم یک ضربت بر او بزنید و از مثله کردن او پرهیزید که پیامبر «ص» از چنین عملی نهی کرد، (طبری، بی تا، ج ۴، ص ۱۱۴؛

رضی، بی تا، ص ۴۲۲؛ طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۳۶۵؛ ابن دمشقی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۱۰۳) در تعارض است.

و بالاخره نقل کرده اند که در زمان حکومت امام علی(ع) یکی از غالیان به نام «عبد الله بن سبا» درباره امام علی(ع) غلو کرد و او را به عنوان «رب» اعلان کرد. امام علی(ع) دستور سوزاندن او را صادر کرد. (طوسی، ۱۳۴۸، ص ۱۰۷-۱۰۶؛ ابن ابی الحدید، بی تا، ج ۵، ص ۶ و ج ۸، ص ۱۲۰-۱۱۹) لازم به ذکر است، علامه عسکری در این باره معتقد است که برخی میان عملکرد امام علی(ع) و برخی از خلفا و صحابه همانند سازی کرده اند. او می نویسد: «این که در روایات به سوزاندن ابن سبا توسط امام علی(ع) اشاره شده است، از طریق منابع اهل سنت به کتاب های حدیثی شیعه منتقل شده است.

آن ها با این کار خواسته اند ابوبکر را در سوزاندن «فجائه سلمی» تنها نگذارند و همچنین بگویند روش علی(ع) همان روش خالد بن ولید در سوزاندن عده ای از مرتدین بوده است؛ چنان که نقل کرده اند که عده ای از قبیله بنی سلیم از اسلام برگشتند. ابوبکر، خالد بن ولید را به سوی آنان فرستاد. خالد عده ای از مردان آن ها را در آغل گوسفندان گرد آورده و آتش زد». (عسکری، ۱۳۶۰، ج ۳، ص ۴۶-۴۵) ناگفته نماند که برخی از نویسندگان «ملل و نحل» از سوزاندن «عبد الله بن سبا» سخنی نگفته اند بلکه صرفاً از تبعید شدن او توسط امام علی(ع) یاد کرده اند (نویختی، ۱۳۸۸ق، ص ۴۰؛ اشعری قمی، ۱۹۶۳م، ص ۲۰) که این خود شاهد دیگری بر همانند سازی است که علامه عسکری به آن اشاره کرده است.

۴-۶. ترویج و دفاع از باورهای کلامی

گاه باورمندان به منظور ترویج و دفاع از مرام و مذهب، خود به همانند سازی روی می آورند که ذیلا به دو نمونه اشاره می شود:

۴-۶-۱. همان گونه که قبلا اشاره شد، برخی از محدثان و مورخان کرامتی از امام هادی(ع) بدین مضمون نقل کرده اند که در زمان متوکل، خلیفه عباسی (م ۲۴۷)، حضرت هادی(ع) وارد جایگاه حیوانات درنده شد و آن ها آسیبی به او نرساندند. (مسعودی، ۱۳۷۴،

ج ۲، ص ۵۷۴؛ ابن حجر هیشمی، بی تا، ص ۲۰۵؛ ابن شهر آشوب، بی تا، ج ۴، ص ۴۱۶؛ مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۵۰، ص ۱۴۹)

ناگفته نماند که مسعودی جریان مذکور را درباره «یحیی بن عبد الله حسنی» از سادات تحت تعقیب دستگاه خلافت عباسی در دوران «هارون الرشید» (م ۱۹۳) نقل می کند (مسعودی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۳۴۷) ولی اذعان می کند که اقوال درباره او مختلف است؛ ثانیاً ابوالفرج اصفهانی گزارشی می آورد مبنی بر این که او را در جایگاه حیوانات درنده انداختند و او تکه تکه شد. (اصفهانی، ۱۳۷۴، ص ۴۰۳)

حال برخی از همانند سازان برای اثبات حقانیت مذهب خود، گزارشی همانند گزارش مذکور (کرامت امام هادی) نقل کرده اند که در سال ۷۰۹ سلطان محمد خدا بنده، مذهب شیعه را اختیار کرد و دستور داد شعائر شیعه اجرا گردد. در این میان یکی از کسانی که با دستور سلطان مخالفت کرد، قاضی مجدالدین شیرازی (م ۷۵۶) از اهل سنت بود. بنابراین سلطان فرمان داد که او را در میان حیوانات درنده رها کنند ولی در مقابل شیرها و سگ های درنده او را بوییده و دم های خود را تکان دادند. (ابن بطوطه، بی تا، ص ۲۲۰-۲۱۹؛ همو، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۲۲۱-۲۱۹؛ شیرازی، ۱۳۶۶، ص ۴۲۴-۴۲۳)

۴-۶-۲. برخی از مورخان، از قرائت قرآن توسط سر امام حسین «ع» یاد کرده اند. مفید، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۱۱۷؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۶۰، ص ۳۷۰؛ ابن شهر آشوب، بی تا، ج ۴، ص ۶۱)

حال در «عصر محنت» و اوج مباحثات پیرامون قدیم و مخلوق بودن قرآن، مخالفان معتزله (اهل حدیث) به منظور تقویت و ترویج مکتب فکری خود به همانند سازی روی آورده و نقل کرده اند که در زمان واثق، خلیفه عباسی (م ۲۳۲)، احمد بن نصر خزاعی، از عالمان مخالف معتزله، مخلوق بودن قرآن را نپذیرفت و در این راه جان خود را از دست داد. گفته اند زمانی که گردش را زدند، دیدند سر بریده او به خواندن سوره «یس» مشغول است. (خطیب بغدادی، بی تا، ج ۵، ص ۱۸۰-۱۷۳)

۵. اثبات همانند سازی در تاریخ اسلام

به نظر می‌رسد با توجه به گزارش‌های مذکور و نکات ذیل، می‌توان «همانند سازی» در حدیث را به عنوان واقعیتهای انکارناپذیر دانست.

۱-۵. درخواست معاویه

همان گونه که قبلاً اشاره شد، معاویه از استانداران خود خواست که مردم هر فضیلتی را که درباره «ابو تراب» سراغ دارند، نظیر آن را برای دیگر صحابه پیامبر «ص» نقل کنند و بدیهی است که وقتی حاکمیت خواسته‌ای داشته باشد، پاسخ آن داده خواهد شد؛ چنان که ابن ابی‌الحدید نقل کرد که به دانش آموزان در مکتب خانه‌ها غیر از قرآن، فضائل صحابه آموخته می‌شد.

۲-۵. تصریح امامان شیعه

تصریح امامان شیعه بر همانند سازی قرینه دیگری بر وقوع جریان مذکور است؛ چنانکه درباره شکنجه از سوی پیامبر «ص»، امام باقر «ع» تصریح می‌کند که نسبت مذکور به دروغ به پیامبر «ص» داده شد تا راه برای شکنجه کردن از سوی حاکمان هموار گردد. (صدوق، ۱۳۸۶ق، ج ۲، ص ۵۴۱)

۳-۵. تصریح عالمان

برخی از عالمان به همانند سازی از سوی برخی از روایان حدیث اشاره کرده‌اند؛ چنان که پیش‌تر از ابو جعفر اسکافی نقل شد که «سمره بن جندب» در عوضِ مبلغی، نزول آیه‌ای که درباره علی «ع» نازل شده بود را درباره ابن ملجم، قاتل علی «ع»، اعلام کرد. قبلاً نیز اشاره شد که ابن ابی‌الحدید تصریح کرد که حدیث بستن درب خانه‌های مسلمانان به مسجد و باز بودن درب خانه ابوبکر از سوی «بکریه» جعل شده است. تصریحات مذکور شاهد دیگری است بر همانند سازی که از سوی برخی صورت گرفته است، گرچه در نسبت‌های مذکور به عالمان می‌بایست احتیاط لازم را به عمل آورد.

۴-۵. منابع حدیثی و وضوح برخی از گزاره‌های حدیثی همانند ساز

انعکاس برخی از گزاره‌های همانند ساز قطعی در منابع حدیثی، قرینه آشکاری بر رویداد همانند سازی است که در ادامه به دو نمونه اشاره می‌شود:

۴-۵-۱. سیمایی که قرآن و حدیث معتبر از پیامبر «ص» ارائه می‌کند به اختصار عبارت است از:

رحمت برای جهانیان (انبیاء: ۱۰۷؛ ابی یعلی، بی‌تا، ج ۱۱، ص ۳۵؛ ترمذی، ۱۴۰۳ق، ج ۴، ص ۲۸۵)، نهایت دلسوزی برای هدایت بشر (شعرا: ۳؛ قاضی عیاض، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۱۰۵)، آغاز نکردن به جنگ (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۵، ص ۲۸) و ...

حال اگر ما بخواهیم گزاره‌های حدیثی را که دم از شکنجه و خشونت از سوی پیامبر «ص» می‌زند، پذیریم، لازمه‌اش کنار گذاشتن سیمای پیامبر «ص» در قرآن و حدیث معتبر است؛ در صورتی که درجه اطمینان به سیمای پیامبر «ص» در قرآن و حدیث معتبر با گزاره‌های مخالف تصویر مذکور قابل مقایسه نیست؛ پس نتیجه می‌گیریم که گزاره‌هایی که با تصویر پیامبر «ص» در قرآن و حدیث معتبر، ناسازگار ولی در عین حال با رفتار خلفاء همانند باشد، گزاره‌های حدیثی همانند ساز است.

۴-۵-۲. نگاهی به برخی از گزاره‌های حدیثی، نشان دهنده این است که گاه اشخاصی به قصد سرپوش گذاشتن بر ناآگاهی شخصیت‌های محبوب خویش نسبت به قرآن (مسلم، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۹۳؛ ابن ماجه، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۸۸؛ نسایی، ۱۳۴۸ق، ج ۱، ص ۱۶۶؛ بیهقی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۰۹؛ ابن خزیمه، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۳۵)، مطالبی نقل می‌کنند که لازمه‌اش اهانت به پیامبر اسلام «ص» است. برای مثال نقل کرده‌اند که زمانی که «عبد الله بن ابی» از دنیا رفت، پیامبر «ص» در مراسم دفن او حاضر شد و خواست که بر جنازه او نماز بخواند که عمر، خلیفه دوم، ممانعت کرد و به پیامبر «ص» گفت: می‌خواهی بر منافقی نماز بخوانی؟ در صورتی که خداوند تو را از مغفرت خواستن برای منافقان باز داشته است.

پیامبر «ص» در پاسخ گفت: خداوند مرا مخیر کرده و یا خیر داده که «اسْتَغْفِرَ لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرَ لَهُمْ إِنْ تَسْتَغْفِرَ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ»، چه برای آن‌ها استغفار کنی و چه نکنی، (حتی) اگر هفتاد بار برای آن‌ها استغفار کنی، هرگز خدا آن‌ها را نمی‌آمرزد، (توبه):

۸۰) من بیشتر از هفتاد بار برایش استغفار می‌کنم تا آمرزیده شود، سپس پیامبر «ص» بر او نماز خواند تا این که خداوند او را از این کار باز داشت. (بخاری، ۱۴۲۵ق، ص ۱۱۶۴)

همان گونه که در گزارش مذکور ملاحظه می‌شود عمر، خلیفه دوم، شخصی دانا معرفی شده است؛ در حالی که پیامبر «ص» از فهم کنایه (کلمه هفتاد بار کنایه از بی فائده بودن است) به کار رفته در آیه مذکور عاجز است.

اکنون که برخی از گزارش‌گران به خود اجازه چنین کاری را می‌دهند، نقل گزاره‌های حدیثی همانند ساز به منظور تبرئه یا کاهش زشتی رفتار افراد محبوب خویش، نباید چندان دور از ذهن باشد.

۶. جداسازی گزاره‌های حدیثی همانندساز از گزاره‌های حدیثی اصیل

به نظر می‌رسد در تشخیص احادیث اصیل از همانند ساز می‌توان از قرائنی همچون تواتر، سند معتبر، کثرت انعکاس در منابع، عدم مخالفت با قرآن و دانش‌های بشری بهره برد. در مقابل، حدیث همانند ساز را می‌توان از قرائنی همچون ضعف سند، انعکاس در یک یا دو منبع، مخالفت با قرآن و مسلمات دانش‌های بشری، مخالفت با باورهای مسلم کلامی شناسایی کرد.

به عبارت دیگر از آن جا که گزاره‌های همانند ساز، از طیف گسترده‌ای برخوردار است؛ لذا باید هر یک با روشی متناسب، ارزیابی و شناسایی شود. به نظر می‌رسد راهکارهای ذیل می‌تواند در این باره، چاره ساز باشد:

۶-۱. عرضه بر قرآن کریم

یکی از راه‌های تشخیص احادیث همانند ساز عرضه آن بر قرآن کریم است. ناگفته نماند که کارایی معیار مذکور در مورد احادیثی است که در آن از عملکرد پیامبر «ص» سخن گفته باشد؛ چنانکه با عرضه حدیث «انس بن مالک» که قبلاً به آن اشاره شد، بر آیه شریفه «إِنَّمَا حِزَاءَ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِّنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ جِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ»

کیفر آن‌ها که با خدا و پیامبرش به جنگ برمی‌خیزند و اقدام به فساد در روی زمین می‌کنند، فقط این است که اعدام شوند یا به دار آویخته گردند یا دست و پای آن‌ها به عکس یکدیگر بریده شود و یا از سرزمین خود تبعید گردند. این رسوایی آن‌ها در دنیاست و در آخرت مجازات عظیمی دارند، (مائده: ۳۳) همانند ساز بودن آن روشن می‌گردد؛ زیرا در آیه مذکور از میل کشیدن بر چشم محارب که در حدیث انس ذکر شده بود، سخنی نیامده است.

نمونه دوم حدیث مستفیض یا متواتر «کساء» است که از همانند سازی در امان نمانده و در نقلی گویند که پیامبر «ص»، عباس عموی خویش و پسرانش را در ملافه‌ای پوشاند و فرمود: این‌ها اهل بیت من هستند. (ابن حجر هیثمی، ۱۳۸۵ق، ص ۱۴۴؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۲۶، ص ۳۱۱) ضعیف بودن سند آن (عسقلانی، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۲۷۴) و مخالفتش با آیه تطهیر (مبرا بودن از مطلق پلیدی و آراسته بودن به پاکی که اختصاص به اهل بیت یافته، قطعا درباره عباس و فرزندانش محقق نیست)، (بابایی، ۱۳۸۸، ص ۱۲۳) همگی از نشانه‌های همانند ساز بودن حدیث مذکور است.

نمونه سوم احادیث نهی رسول خدا «ص» از کتابت حدیث است که با عرضه آن بر قرآن و توجه به اقدام خلیفه دوم در نهی از کتابت حدیث، می‌توان به همانند ساز بودن آن‌ها پی برد. توضیح آن که قرآن مأموریت پیامبر «ص» را هدایت و راهنمایی (شوری: ۵۲) و تبیین آموزه‌های قرآنی (نحل: ۴۴) می‌داند. همچنین خداوند اطاعت و لزوم پیروی از دستورات پیامبر «ص» را به مسلمانان گوشزد کرده است (آل عمران: ۳۲، نساء: ۵۹ و حشر: ۷) که لازمه‌اش توجه مسلمانان به سخنان پیامبر «ص» در همه زمان‌هاست.

بر این اساس نمی‌توان گفت که پیامبری با چنین مأموریت و جایگاهی از تدوین و نگارش سخنان خویش ممانعت کرده باشد. اکنون به نظر می‌رسد که احادیثی که به پیامبر «ص» نسبت داده‌اند مبنی بر اینکه او از نگاشتن سخنان خویش منع کرده (دارمی، بی تا، ج ۱، ص ۱۱۹؛ مسلم، ۱۴۲۰ق، ج ۹، ص ۲۴۴؛ نسایی، ۱۴۱۱ق، ج ۵، ص ۱۱؛ ابن حبان، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۲۶۶) همگی بر پایه اقدام خلیفه دوم در ممانعت از نقل و تدوین حدیث

نبوی (امینی، ۱۳۹۷ق، ج ۶، ص ۲۹۷؛ شهرستانی، ۱۴۱۸ق، ص ۳۵) همانند سازی گشته است.

گفتنی است احادیث ممانعت پیامبر(ص) از نگاهتن سخنان خویش علاوه بر تعارض آن با مأموریت و جایگاه او در قرآن با احادیثی که امر به نگارش سخنان او دارد، (دارمی، بی تا، ج ۱، ص ۱۲۵؛ ابی داود، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۷۶؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۰۶) متعارض است.

۶-۲. عرضه بر باور کلامی

اگر محوریت گزاره حدیثی را که ما گمان بر همانند ساز بودن آن داریم، شخص مقدسی باشد و ضمنا خاستگاه باور کلامی عقل و یا نقل معتبر(قرآن و حدیث معتبر) و همچنین مورد توافق همه متکلمان یا بیشتر آنان باشد، برای اطمینان بیشتر از همانند ساز بودن آن می توان از عرضه آن بر باورهای مسلم کلامی همچون عصمت پیامبر و امام، مبری بودن آنان از ظلم و ستم، علم پیامبر و امام، نبود تعارض میان رفتار آنان با آیات قرآن و... بهره برد.

برای مثال همان گونه که در بحث توجیه رفتار حاکمان و تعمیم فضایل به اشخاص اشاره شد، می توان اطمینان داشت که گزارش های مشتمل بر شکنجه و خشونت از سوی پیامبر(ص) و امام(ع) که فراتر از دستورات قرآن است، همانند ساز هستند.

۶-۳. گزاره همانند ساز و عدم انعکاس در منابع اصلی

راه دیگر برای تشخیص گزاره حدیثی همانند ساز، انعکاس نیافتن آن در منابع اصلی حدیث است. برای مثال کشته شدن حنظله بن اسعد شامی به جای امام حسین(ع) گزاره ای است که در هیچ یک از منابع اصلی حادثه عاشورا دیده نمی شود یا اکثر منابع از حضور امام علی(ع)، امام حسن(ع)، امام حسین(ع) و حضرت فاطمه(س) به اتفاق پیامبر(ص) در مباحثه، خبر داده اند ولی در گزارشی از حضور برخی افراد دیگر خبر داده اند که خود به خود همانند سازی گزارش مذکور را تقویت می کند.

۶-۴. گزاره و اقوال گوناگون

تعدد اقوال در یک گزاره راهی است برای تشخیص همانند سازی. برای مثال همان گونه که قبلاً اشاره شد، درباره سرانجام عبد الله بن سبأ، چند گزارش وجود دارد که گزاره سوزاندن او به دستور امام علی «ع» را به همانند سازی محتمل تر می‌نماید.

۶-۵. همانندی کامل میان دو گزاره و تفاوت در خاستگاه

گاه درباره یک جریان دو گزارش کاملاً همانند دیده می‌شود؛ با این تفاوت که یکی در منابع اصلی آمده و آن هم با چند گزارش و دیگری فاقد ویژگی مذکور است که در این جا گزاره دوم موسوم به همانند ساز می‌شود. برای مثال ورود امام هادی «ع» به محل نگاهداری حیوانات درنده با ورود قاضی مجدالدین شیرازی، آن هم با همان کیفیت گزارش شده است ولی گزارش دوم فاقد برخی از ویژگی‌هایی است که گزارش اول از آن برخوردار است؛ چنان که جریان قرآن خواندن سر سید الشهدا «ع» و احمد بن نصر خزاعی از این قبیل است.

در پایان گفتنی است، اولاً راهکارهای مذکور همگی در یک سطح از استحکام برخوردار نبوده؛ زیرا برخی یقین آور و برخی اطمینان آورند. مهم این است که پژوهشگر حدیث نسبت به همانند سازی غافل نماند. ثانیاً هر حدیث همانند سازی با هر محتوایی را نمی‌توان با هر کدام از راهکارهایی که ارائه شده، ارزیابی کرد بلکه متناسب با محتوایی که دارند با راهکارها سنجیده می‌شوند؛ چنان که در ارزیابی حدیث جعلی نیز نمی‌توان بدون توجه به محتوایی که دارد، آن را با معیارهای نقد حدیث ارزیابی کرد؛ برای مثال نمی‌توان حدیث جعلی با محتوایی صرفاً تاریخی را با معیار قرآن سنجید بلکه می‌بایست آن را با عرضه بر مسلمات تاریخی سنجید.

نتیجه گیری

از نوشتار مذکور چند نتیجه به دست آمد:

اول، همانند سازی حدیث در میان مسلمانان صورت گرفته است.

دوم، رفتار مذکور هم از سوی اهل سنت و هم از سوی شیعیان صورت گرفته است.

سوم، احادیث همانند ساز بر خلاف احادیث جعلی از یک پایه و اساسی برخوردار بوده ولی تغییراتی در آن صورت گرفته است.

چهارم، معمولاً احادیث همانند ساز با احادیث دیگر متعارض هستند.

پنجم، تفکیک میان گزاره‌های حدیثی اصیل و همانند ساز ضروری و لازم است؛ زیرا پایه پژوهش و تحلیل صحیح حدیث بر اطلاعات صحیح است و به دست آوردن اطلاعات صحیح در گروی تفکیک مذکور است.

ششم، بی توجهی به تفکیک مذکور زمینه اهانت و بدبینی به اشخاص مقدس همچون پیامبر(ص) و امام(ع) را فراهم می‌کند.

هفتم، مشخص شد که گاه اقدام حاکمیت به صورت غیر مستقیم در دانش حدیث اثر می‌گذارد.

هشتم، توجه به احادیث همانند ساز، زمینه بازخوانی دیدگاه اسلام در موضوعاتی از قبیل: جهاد ابتدایی، شکنجه، ترور، برخورد قهر آمیز با مخالف و... را فراهم می‌کند.

نهم، توجه به احادیث همانند ساز زمینه نقد حدیث را فراهم می‌کند؛ زیرا وقتی پژوهشگر به حدیث همانند ساز توجه کرد، زمینه بدبینی و سوءظن او فراهم می‌شود؛ در نتیجه در صدد ارزیابی حدیث مذکور برمی‌آید، به عبارت دیگر مشاهده همانند سازی دلیل محکمی بر جعلی بودن حدیث نیست بلکه قرینه‌ای بر ساختگی بودن حدیث است، از آن پس می‌بایست برای ارزیابی نهایی، به قرائن دیگر توجه کرد.

منابع

- قرآن کریم.
- ابن ابی شیبہ، محمد بن عثمان (۱۴۰۹ق)، *المصنف*، بیروت: دار الفکر.
- ابن ابی الحدید، هبه الله (بی تا)، *شرح نهج البلاغه*، تهران: جهان.

- ابن اثیر، عز الدین (۱۳۸۵ق)، **الکامل فی التاریخ**، بیروت: دار صادر.
- _____، (بی تا)، **اسد الغابه**، تهران: اسماعیلیان.
- ابن بطوطه، محمد بن عبد الله (۱۳۶۶)، **سفر نامه ابن بطوطه**، ترجمه: محمد علی موحد، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
- _____، (بی تا)، **رحله ابن بطوطه المسماة تحفه النظار فی غرائب الامصار**، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن جبیر، علی بن یوسف (۱۴۱۸ق)، **نهج الایمان**، مشهد: مجتمع امام هادی.
- ابن حبان، محمد بن احمد (بی تا)، **الثقات**، حیدرآباد دکن: مطبعه مجلس دائره المعارف العثمانیه.
- ابن حجاج، مسلم (۱۴۲۰ق)، **صحیح مسلم**، شرح: الامام النووی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (۱۴۱۵ق)، **الاصابه**، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن حزم، علی بن احمد (بی تا)، **المحلی**، بیروت: دار الفکر.
- ابن حنبل، احمد (۱۴۱۴ق)، **مسند احمد**، بیروت: دار احیاء التراث العربیه.
- _____، (بی تا)، **مسند احمد**، بیروت: دار صادر.
- ابن خلدون، عبد الرحمان (۱۳۹۱ق)، **العبر و دیوان المبتدأ و الخبر** (تاریخ ابن خلدون)، بیروت: مؤسسه الاعلمی.
- ابن دمشقی، محمد بن احمد (۱۴۱۵ق)، **جواهر المطالب**، قم: مجمع احیاء الثقافه الاسلامیه.
- ابن سعد، محمد (۱۴۱۴ق)، **الطبقات الکبری**، بیروت: دار الفکر.
- _____، (۱۴۱۵ق)، **ترجمه الامام الحسین (ع) من القسم غیر المطبوع من کتاب «الطبقات الکبیر»**، قم: مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث.
- ابن سعد، محمد (۱۴۱۷ق)، **ترجمه: الامام الحسن من القسم غیر المطبوع من کتاب الطبقات الکبیر**، قم: مؤسسه آل البیت.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی (بی تا)، **مناقب آل ابی طالب**، قم: علامه.
- _____، (۱۳۷۶ق)، **مناقب آل ابی طالب**، نجف: مکتبه الحیدریه.
- ابن عدی، عبد الله (۱۴۰۹ق)، **الکامل**، بیروت: دار الفکر.

- ابن عساکر، علی (۱۴۱۵ق)، **تاریخ مدینه دمشق**، بیروت: دار الفکر.
- ابن عبدالبر، یوسف بن عبد الله (۱۴۱۵ق)، **الاستیعاب**، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن کثیر، اسماعیل بن کثیر (۱۴۰۸ق)، **البدایه و النهایه**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن هشام، عبد الملک (بی تا)، **السیره النبویه**، بیروت: دار احیاء التراث العربیه.
- ابو حنیفه مغربی، نعمان بن محمد (۱۳۸۳ق)، **دعائم الاسلام**، قاهره: دار المعارف.
- ابی یعلی، احمد بن علی (بی تا)، **مسند**، بیروت: دار المأمون.
- اربلی، علی بن عیسی (۱۴۰۵)، **کشف الغمه فی معرفه الائمه**، بیروت: دار الاضواء.
- اشعری قمی، سعد بن عبد الله (۱۹۶۳م)، **المقالات و الفرق**، تهران: مؤسسه مطبوعاتی عطائی.
- اصفهانی، ابو الفرج (۱۳۷۴)، **مقاتل الطالبیین**، قم: منشورات اشرف الرضی.
- بابایی، علی اکبر (۱۳۸۸)، **پرسمان عصمت**، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۲۵ق)، **صحیح البخاری**، بیروت: دار المعرفه.
- بروجردی، سید حسن (۱۴۱۵ق)، **جامع احادیث الشیعه**، قم: اسماعیل معزی ملایری.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۹۸ق)، **فتوح البلدان**، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- _____، (۱۴۱۹ق)، **انساب الاشراف**، تصحیح: محمودی، قم: مجمع احیاء الثقافه الاسلامیه.
- _____، (۱۴۲۴ق)، **انساب الاشراف**، بیروت: دار الفکر.
- بیهقی، احمد بن حسین (بی تا)، **السنن الکبری**، بیروت: دار الفکر.
- ترمذی، محمد بن عیسی (۱۴۰۳ق)، **سنن الترمذی**، بیروت: دار الفکر.
- جرجانی، میر سید شریف (۱۳۲۵ق)، **المواقف**، قاهره: مطبعه السعاده.
- جنید شیرازی، معین الدین (۱۳۶۶)، **شد الازار فی حط الاوزار عن زوار المزار**، تهران: مؤسسه اطلاعات.
- حاکم نیشابوری، محمد بن عبد الله (۱۴۰۶ق)، **مستدرک الصحیحین**، بیروت: دار المعرفه.
- حسکانی، عبد الله بن احمد (۱۴۱۱ق)، **شواهد التنزیل**، قم: مجمع احیاء الثقافه الاسلامیه.
- حسن بگی، علی (۱۳۹۰)، **بازکاوی تأثیر باورهای اعتقادی بر تاریخ نگاری اسلامی**، مشکوه، مشهد: بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی.

- حلبی، نور الدین (۱۴۰۰ق)، **السیره الحلبیه**، بیروت: دار المعرفه.
- _____، (۲۰۰۸م)، **السیره الحلبیه**، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- حلبی، حسن بن یوسف (۱۴۱۱ق)، **کشف الیقین**، قم: دار الاسوه.
- حنفی، ابن حمزه (ابراهیم بن محمد) (۱۴۰۳ق)، **البیان و التعریف فی اسباب ورود**، الحدیث، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- خطیب بغدادی، احمد بن علی (بی تا)، **تاریخ بغداد**، بیروت: دار الکتب العربی.
- خوارزمی، احمد بن محمد (۱۴۱۱ق)، **المناقب**، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- دار قطنی، محمد بن عثمان (۱۴۱۷ق)، **السنن**، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- رضی (بی تا)، **نهج البلاغه**، قم: مؤسسه دار الهجره.
- سیوطی، عبد الرحمن بن ابی بکر (بی تا)، **الدر المنثور**، بیروت: دار المعرفه.
- شافعی، محمد بن ادريس (۱۴۰۰ق)، **الام**، بیروت: دار الفکر.
- شهرستانی، علی (۱۴۱۸ق)، **منع تدوین الحدیث**، بیروت: مؤسسه الاعلمی.
- صالحی شامی، محمد بن یوسف (۱۴۱۴ق)، **سبل الهدی و الرشاد**، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- صدوق، احمد بن علی (۱۳۸۶ق)، **علل الشرایع**، نجف: مکتبه الحیدریه.
- _____، (۱۴۰۴ق)، **عیون اخبار الرضا«ع»**، بیروت: مؤسسه الاعلمی.
- صنعانی، عبد الرزاق بن همام (بی تا)، **المصنف**، بی جا: منشورات المجلس العلمی.
- طبرانی، سلیمان بن احمد (بی تا)، **المعجم الكبير**، قاهره: مکتبه ابن تیمیه.
- طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب (۱۴۱۴ق)، **الاحتجاج**، قم: دار الاسوه.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۳۸)، **اعلام الوری باعلام الهدی**، تهران: المکتبه العلمیه الاسلامیه.
- طبری، محمد بن جریر (بی تا)، **تاریخ الطبری**، بیروت: دار التراث.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۴۸)، **اختیار معرفه الرجال**، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- _____، (۱۴۱۴ق)، **الامالی**، قم: دار الثقافه.
- عاملی، جعفر مرتضی (۱۴۰۰ق)، **الصحيح من سیره النبی«ص»**، بی جا: بی نا.

- عسکری، علامه سید مرتضی (۱۳۶۰)، **عبد الله بن سبأ و دیگر افسانه های تاریخی**، ترجمه: محمد صادق نجمی، هاشم هریسی، تهران: مجمع علمی اسلامی.
- علوی، محمد بن عقیل (۱۴۱۴ق)، **تقویة الایمان**، بیروت: دار البیان.
- عمید، حسن (۱۳۸۴)، **فرهنگ عمید**، تهران: امیر کبیر.
- قاضی عیاض، عیاض بن موسی (۱۴۰۹ق)، **الشفأ بتعریف حقوق المصطفی**، بیروت: دار الفکر.
- قرطبی، محمد بن احمد (۱۴۰۵ق)، **الجامع لاحکام القرآن**، بیروت: مؤسسه التاریخ العربی.
- قمی، شیخ عباس (۱۳۸۰)، **منتهی الآمال**، قم: هجرت.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۷)، **الکافی**، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- متقی هندی، علی بن حسام (بی تا)، **کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال**، بیروت: مؤسسه الرساله.
- مجلسی، محمد باقر (۱۳۸۶)، **بحار الانوار**، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- محسنی، محمد آصف (۱۳۹۲)، **معجم الاحادیث المعتمره**، قم: دار النشر الادیان.
- _____، (۱۳۸۱)، **مشرحه البحار**، قم: عزیزی.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۴۲۵ق)، **موسوعه الامام علی بن ابی طالب «ع»**، قم: دار الحدیث.
- مرعشی نجفی، شهاب الدین (۱۴۱۱ق)، **شرح احقاق الحق و ازهاق الباطل**، قم: مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی.
- _____، (۱۴۲۶ق)، **موسوعه الامامه**، قم: مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی.
- مسعودی، علی بن حسین (۱۳۷۴)، **مروج الذهب**، ترجمه: ابو القاسم پاینده، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- _____، (۱۳۸۶ق)، **مروج الذهب**، مصر: مطبعه السعاده.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۳۸۰)، **الارشاد**، ترجمه: محمد باقر ساعدی، تهران: اسلامیه.
- _____، (۱۴۱۴ق)، **الارشاد**، بیروت: دار المفید.
- مقریزی، تقی الدین (بی تا)، **النزاع و التخاصم بین بنی هاشم و بنی امیه**، بی جا: بی نا.

- منقری، نصر بن مزاحم (۱۳۸۲)، وقعه صفین، قم: مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی.
- میلانی، علی (۱۴۲۰ق)، *نفحات الازهار*، بی جا: بی نا.
- نجاح الطائی (۱۴۳۱ق)، *الشائعات المشهوره ضد الامام الحسن «ع»*، بیروت: دارالهدی لاحیاء التراث.
- نحاس، احمد بن اسماعیل (۱۴۰۹ق)، *معانی القرآن*، المملكة العربیه السعودیه: جامعه ام القرى.
- نسائی، احمد بن شعیب (بی تا)، *خصائص امیر المؤمنین «ع»*، قم: مجمع احیاء الثقافه الاسلامیه.
- نوبختی، حسن بن موسی (۱۳۸۸ق)، *فرق الشیعه*، قم: مکتبه الفقیه.
- واقدی، محمد بن عمر (۱۳۶۹)، *المغازی*، ترجمه: محمود مهدوی دامغانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- وحید خراسانی، حسین (بی تا)، *مقدمه فی اصول الدین و یلیها منهاج الصالحین*، بی جا: مدرسه الامام الباقر «ع».
- هویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۲ق)، *نور الثقلین*، قم: اسماعیلیان.
- هیشمی، احمد بن حجر (بی تا)، *الصواعق المحرقه*، قاهره: مکتبه القاهره.
- هیشمی، نور الدین (۱۴۰۸ق)، *مجمع الزوائد*، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- یعقوبی، احمد بن ابی واضح (۱۴۱۳ق)، *تاریخ یعقوبی*، بیروت: مؤسسه الاعلمی.

Methods of Hadith Replication and Strategies for its Identification

Ali Hasan-bagi¹

Received: 10/11/2015

Accepted: 30/4/2016

Abstract

Replication or attributing something to someone other than the real authority, has long been employed in the history of hadith. It seems that some of the recorded propositions in hadith sources are replicated ones. However any research in the field of theology, religion, and hadith including challenging issues such as Jihad, assassination, torture, etc relies on the available propositions and hadiths which are suffering from this defect. In order to reach Islam's original point of view on any issue from that of the Muslims, it is necessary to identify replicated hadith from the genuine ones. Hence, this paper studies the history of replication, examines the reasons for such a process, and provides some strategies to differentiate between the genuine and the forged hadiths. Consequently, five motives have been identified and four strategies introduced for distinguishing the genuine from the forged.

Keywords: Replication of hadith, Religious beliefs, Distinctive strategies

¹ Associate professor of Theology and Islamic studies